



علل مهم خانوادگی فرار از خانه / بزهکاری در انتظار کودکان خیابانی

سطح پایین نظارت والدین، سطح پایین گرمی و حمایت والدین، سطح بالای طرد والدین، انواع خشونت‌های جسمی و جنسی از علل مهم خانوادگی فرار از خانه است.

خبرگزاری مهر-گروه دین و اندیشه: سطح پایین نظارت والدین، سطح پایین گرمی و حمایت والدین، سطح بالای طرد والدین، انواع خشونت‌های جسمی و جنسی از علل مهم خانوادگی فرار از خانه است.

پدیده دختران فراری در سطح اغلب کشورهای جهان با درجات متفاوتی مشاهده می‌گردد. آنچه که مسأله حاضر را به معضلی لاینحل مبدل می‌سازد عدم امکان بازگشت کودک مونثی است که از نزد خانواده خود به سوی خیابان‌ها گریخته است. در واقع دختران فراری از شانس بسیار کمی برای بازگشت نزد خانواده خود برخوردار هستند چرا که ساختار مردانه نظام فرهنگ سنتی قادر به پذیرش مجدد دختری که در خیابان‌ها به پرده زنی و ولگردی پرداخته و احتمالاً مورد تعرض جنسی خواسته یا ناخواسته قرار گرفته خواهد بود.

این امر منجر به تثبیت موقعیت دختران فراری در سطح شهر گردیده و وی را مستعد پذیرش هرگونه آزار جنسی و یا جسمی به منظور ادامه زندگی در حاشیه خیابان‌ها نموده است. بدین ترتیب شرایط بروز شدیدترین رفتارهای آزاردهنده بر علیه کودکان مؤنث فراری و سرگردان در سطح خیابان‌ها مهیا می‌گردد.

در حال حاضر 90 درصد دختران فراری در دیگر کشورها یک هفته‌ای به خانه‌های خود باز می‌گردند، اما در ایران تعداد بالایی از این دختران به خانه باز نگشتند و بحران در همین جاست. برخی از تحقیقات صورت گرفته حاکی از این حقیقت تلخ است که 55 درصد دختران فراری با وجود تمایل برای بازگشت به خانه به دلیل ترس از آنچه که ممکن است توسط خانواده‌هایشان صورت پذیرد از بازگشت خودداری نموده‌اند.

صرف نظر از ساختار سنتی که مانع از رهایی دختران فراری از حاشیه خیابان‌ها می‌گردد می‌بایست به وضعیت ناسالم و فاسد برخی دیگر از خانواده‌های این گونه دختران اشاره کرد که محیط خانواده را به مکانی در جهت سوء استفاده از کودک مؤنث مبدل نموده‌اند، به نحوی که نوجوان فراری مانند در خیابان‌ها و قرار گرفتن در معرض غیر انسانی‌ترین شرایط را بر بازگشت به نزد خانواده خود ترجیح می‌دهد.

یافته‌های یکی از تحقیقات صورت گرفته در این رابطه بیانگر این امر است که دختران فراری در مقایسه با هم‌تایان غیر فراری خود خشونت جسمی و روانی بیشتری را از جانب والدین و هم‌شیره‌هایشان تجربه می‌کنند در این میان خشونت کلامی و جسمی پدر نسبت به کودک بسیار قابل توجه است.

تبدیل کودک به کالای جنسی

جنسیت کودکان فراری نقش حیاتی در سرنوشت ایشان ایفا می‌کند. دختران فراری به تبع جنسیت مؤنث خود از همان ساعات اولیه فرار در معرض انواع سوء استفاده‌های جنسی قرار دارند. با فرار کودک از خانه منحرفین جنسی به ایشان به عنوان فرصتی برای شهوت طلبی و ارضاء خواسته‌های شهوانی خود نگریسته در جهت اغفال آنها تلاش می‌نمایند.

باندهای سازمان یافته فساد و فحشاء و قاچاق و فروش دختران نیز تلاش مضاعفی را در جهت دسترسی به این گونه کودکان از خود نشان می‌دهند. بر این اساس احتمال آسیب دیدگی و تبدیل کودکان دختر به فاحشگان خردسال بیش از پیش افزایش می‌یابد. همچنین جذابیت و مطلوبیت جنسی این اطفال، خود به عاملی در جهت تشویق ایشان به فرار از خانه به منظور سوء استفاده و یا بهره‌کشی جنسی از ایشان تبدیل می‌شود. امری که به نحو چشم‌گیری بر تعداد قربانیان کودک مؤنث نسبت به کودکان مذکر می‌افزاید.

فقدان حمایت‌های قانونی از کودک

آخرین رکن اساسی تشدید روند آسیب دیدگی دختران فراری را می‌توان در ناتوانی دستگاه‌ها و نهادهای متولی امر پاسخ دهی به این پدیده دانست. پدیده فرار دختران به واسطه دربرداشتن زمینه‌های گسترده سوء استفاده جنسی و مداخله شبکه‌های فساد و فحشاء

از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار است. بدیهی است با عدم سیاست‌گذارهای کارآمد اجتماعی در قبال این پدیده، امکان مقابله مؤثر با آن نیز اندک خواهد بود.

دشواری بیشتر در نگاه عدالت کیفری به این پدیده است. بدیهی است ارتکاب جرم از جانب دختران فراری به واسطه وضعیت خاص ایشان چندان دور از انتظار نخواهد بود. جرایمی که در اغلب موارد جنسی و مبتنی بر برقراری روابط نامشروع است. متأسفانه نظام عدالت کیفری با نادیده انگاشتن شرایط خاص و ویژه دختران یادشده، ایشان را به عنوان مجرمان معمولی تحت پیگرد قرار می‌دهد. امری که موجب وحشت دائمی کودکان و نوجوانان یادشده از دستگاه قضایی و نیروی پلیس گردیده و در نهایت گریز ایشان را از مراجع قانونی به دنبال خواهد داشت.

درواقع سیاست‌گذاری‌های متناقضی که از یک سو در تلاش در جهت ارائه خدمات حمایتی نسبت به اطفال و نوجوانان فراری است و از سوی دیگر با ارتکاب هرگونه جرمی هرچند که ارتکاب آن غیرقابل اجتناب باشد ایشان را به عنوان کودک و آسیب دیده به رسمیت نشناخته، اقدام به محاکمه و مجازات‌شان می‌نماید هیچ‌گاه منجر به بهبود وضعیت و برون رفت از این انحراف اجتماعی نخواهد گردید.

بر اساس تحقیقات انجام شده در ایران و کشورهای دیگر آمار دختران فراری نسبت به پسران بیشتر است و اکثر آنها نیز به دام فحشا و روسپی‌گری افتاده و توسط باندهای مخصوصی برای روسپی‌گری یا قاچاق به خارج از کشور به خصوص دوبی به کار گرفته می‌شوند. در کشورهای دیگر، مهمترین عامل فرار دختران، مشکلات خانوادگی به ویژه کودک‌آزاری جنسی و مصرف الکل از سوی والدین است.

در ایران نیز بر اساس پژوهش‌های مختلف، ناسازگاری با ناپدری و نامادری، بر ملا شدن رابطه نامشروع یا ترس از آن، ازدواج اجباری، استقلال خواهی زیاد از حد دختران، وضعیت پایین اقتصادی- اجتماعی خانواده‌ها و ایجاد محدودیت از سوی خانواده‌ها از زمینه سازترین علل برای فرار نوجوانان از منزل است.

مشکل اصلی بعد از دستگیری دختران و نوجوانان فراری ارجاع آنها به خانواده‌هایشان است. زیرا به گفته نیروی انتظامی 82 درصد افراد دستگیر شده از برگشتن به خانه و نزد خانواده‌های خود خودداری می‌کنند.

از هم گسیختگی خانواده نقش مهمی در بروز رفتار فرار از منزل ایفا می‌کند از علل مهم فرار می‌توان این عوامل خانوادگی را برشمرد: سطح پایین نظارت والدین، سطح پایین گرمی و حمایت والدین، سطح بالای طرد والدین، انواع خشونت‌های جسمی و جنسی.